



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



سیاست خارجی آمریکا دوباره شکست خورد

در ۲۰ ژوئیه، نیروی هوایی اسرائیل به بندر حدیده یمن که تحت کنترل شبه‌نظامیان انصارالله یمن، معروف به حوثی‌ها است، حمله کرد. رسانه‌های محلی از انفجار مهیب در انبار سوخت و نیروگاه برق و کشته‌شدن دست‌کم شش نفر خبر دادند. این حمله‌هوایی در تلافی حمله‌پهپاد دوربردی که در ۱۹ ژوئیه از خاک یمن پرتاب شد و یک نفر را در تل آویو کشت، صورت گرفت. حوثی‌ها در جریان این حمله به یک پیروزی فناوری و نمادین دست یافتند چراکه این گروه موفق شد به خاک اسرائیل نفوذ کرده، سیستم دفاع هوایی اسرائیل را دور بزند و برای اولین بار از زمان آغاز جنگ در اکتبر ۲۰۲۳ خسارت وارد کند. این تحولات نه‌تنها شکست کمین بمباران ایالات متحده در بازدارندگی و تنزل توانایی حوثی‌ها در حمله به اسرائیل و کشتیرانی دریای سرخ بلکه ناتوانی ایالات متحده در جلوگیری از جنگ منطقه‌ای را نیز نشان می‌دهد که این کشور آن را اولویت اصلی دیپلماتیک خود از اکتبر ۲۰۲۳ اعلام کرده است. حمله حوثی‌ها به اسرائیل در ۹ ماه گذشته و از آغاز مداخله آنها در کنسرت حماس و دیگر گروه‌های مقاومت فلسطینی که با نیروهای اشغالگر اسرائیل می‌جنگند، صورت گرفت. در ۱۹ اکتبر، آنها موشک‌ها و پهپادها را به سمت خاک اسرائیل پرتاب کردند و خواستار پایان دادن به تهاجم اسرائیل به غزه شدند. پرتابه‌ها نتوانستند به هدف خود برسند زیرا توسط سامانه دفاع موشکی آرو (پیکان) اسرائیل رهگیری شدند. اندکی پس از آن، حوثی‌ها حملات خود را علیه کشتی‌هایی که آنها مرتبط با اسرائیل یا هر یک از متحدان خارجی آن می‌دانستند، گسترش دادند و در نتیجه یکی از پرتددترین خطوط کشتیرانی جهان را مختل کردند. در ماه دسامبر، ایالات متحده و برخی از متحدان غربی آن اعلام کردند که عملیاتی را در دریای سرخ برای جلوگیری از حملات به کشتی‌ها از خاک یمن و ایمن کردن مسیرهای کشتیرانی آغاز می‌کنند اما این کمپین تا حد زیادی در مأموریت خود شکست خورده است. حملات حوثی‌ها با سرعت ثابتی ادامه دارد و هیچ نشانه‌ای از کاهش نشان نداده است. در ۱۰ ژانویه، این گروه ۱۸ پهپاد، ۲ موشک کروز ضدکشتی و یک موشک بالستیک ضدکشتی پرتاب کرد که همگی توسط نیروهای آمریکایی و بریتانیایی رهگیری شدند. دوروز بعد، نیروهای متحد با حملات هوایی علیه اهداف نظامی حوثی‌ها در یمن پاسخ دادند. با این حال، حملات به خطوط کشتیرانی پس از آن ادامه یافت و منجر به آسیب و از دست دادن تعدادی از کشتی‌ها شد. موشک‌های پرتاب‌شده از یمن همچنان اسرائیل را هدف قرار می‌دهد. در اواسط ماه مارس، یک موشک کروز از دفاع هوایی اسرائیل عبور کرد و در یک منطقه باز نزدیک به بندر ایلات اسرائیل منفجر شد. در ماه آوریل، این گروه در حمله موشکی و پهپادی خود به اسرائیل در پاسخ به ترور مقامات ایرانی در سوریه به ایران پیوست. این واقعتی که پهپاد حوثی‌ها در ۱۹ ژوئیه به عمق خاک اسرائیل نفوذ کرد، در صحنه به عنوان یک پیروزی نمادین حتی در پس‌زمینه انتقام خونین اسرائیل تلقی می‌شود. چنین موفقیت‌های نظامی در حال ارتقای اعتبار این گروه نه‌تنها در یمن، بلکه در سطح منطقه است. در حالی که به‌نظر می‌رسد در صحنه‌دلیلی برای جشن وجود دارد، در واکنش شکست‌های بزرگی باید مورد تأمل قرار بگیرد. کمپین هفت‌ماهه آمریکا علیه حوثی‌ها نتایج زیادی به همراه نداشت، با این حال، هزینه زیادی داشته است. از ژانویه ۲۰۲۴، ایالات متحده موشک‌هایی با هزینه هر یک از ۳ تا ۴ میلیون دلار را علیه اهداف حوثی‌ها پرتاب کرده است. این حملات پرهزینه باعث شد که سناتور جک ریید، رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای ایالات متحده خطاب به جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده بگوید: «بنابراین شما این موضوع را مدنظر دارید که تا چه زمانی می‌توانیم به شلیک موشک‌های گران‌قیمت ادامه دهیم». بایدن اعتراف کرده است که حملات علیه حوثی‌ها کارساز نیست، با این حال، او از متوقف کردن آنها خودداری کرده است، حتی در شرایطی که کارشناسان پیشنهاد می‌کنند که «عدم اقدام استراتژیک» ممکن است در واقع مؤثرتر باشد. او همچنین از استفاده از مؤثرترین راه برای توقف حوثی‌ها خودداری کرده که همان فشار بر اسرائیل برای پایان دادن به نسل‌کشی در غزه است. دولت بایدن نه‌تنها به اسرائیل اجازه داد تا جنایات غیرقابل‌تصوری را با زیر پا گذاشتن هنجارهای قانونی و اخلاقی در غزه مرتکب شود بلکه اسرائیل را قادر ساخت است تا تنش را نه‌تنها علیه حوثی‌ها، بلکه علیه حزب‌الله لبنان و ایران نیز تشدید کند. اکنون که بایدن تصمیم تاریخی خود را برای عدم کاندیداتوری مجدد گرفته است، به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده که باعث یکی از بدترین بحران‌ها در تاریخ اخیر در خاورمیانه شد، در تاریخ ثبت خواهد شد.

فرخ خان غفاری، سفیر ایران در پاریس که مناکرات و امضای پیمان پاریس را بر عهده داشت



معاهده پاریس و جدایی هرات و افغانستان از ایران

نیرنگ انگلیسی



داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

هرات یکی از شهرهای باستانی و تاریخی ایران بوده است و تا پیش از جدایی از ایران مرکز خراسان و در دوره‌هایی ولیعهدنشین کشور ایران بود. شاه‌عباس صفوی که در هرات زاده شده بود تا زمان آغاز سلطنتش در کودکی حکومت هرات را برعهده داشت.

در دوران صفوی هرات مهم‌ترین شهر و مرکز خراسان محسوب می‌شد. هرات علاوه بر نقش مهمی که در جغرافیای سیاسی ایران داشت و پایتخت شرقی ایران محسوب می‌شد به‌عنوان مرکز خراسان در توازن سیاسی و اقتصادی خراسان نیز نقش مهمی داشت و با جدایی این شهر بزرگ از خراسان این منطقه از ایران نیز در انزوا قرار گرفت.

در دوره صفوی هرات همواره مورد طمع ازبکان بود حتی چندبار این شهر به دست ازبکان افتاد. اما سلطه ازبکان بر هرات کوتاه بود و آنها از دوره‌های فترت در اوایل سلطنت شاه‌طهماسب اول و اوایل سلطنت سلطان محمد خدابنده و شاه‌عباس اول استفاده کردند و هر بار برای مدت کمی این شهر را در اشغال داشتند.

پس از سقوط صفویان هرات مدتی در اشغال طایفه ابدالی بود و به دست نادرشاه افشار آزاد شد. پس از مرگ نادر افغان‌ها بر هرات مسلط شدند.

هرات قربانی بازی بزرگ

در دوران معروف به بازی بزرگ مأموران بریتانیایی در هرات فعال بودند و از جدایی هرات از حکومت ایران پشتیبانی می‌کردند. بازی بزرگ نامی است که به رقابت‌های ژئوپلیتیک بریتانیا و روسیه تزاری در آسیای مرکزی داده شده است. در این رقابت‌ها روسیه به دنبال پیشروی در قلب آسیا و نزدیک شدن به هند بریتانیا بود و انگلیس نیز تلاش داشت مقابل این پیشروی مقاومت کرده و از مستعمره خود در هند محافظت کند. همه تحولات سیاسی این دوره پیرامون ایران ذیل بازی بزرگ معنا پیدا می‌کند. بریتانیا، در سراسر قرن نوزدهم، گرفتار این نگرانی و ترس بود که یکی از قدرت‌های اروپایی دیگر نظیر روسیه و فرانسه بخواهد از فرصت فروپاشی سیاسی آسیا بهره‌برداری کند. تلاش بریتانیا برای تحمیل پیمان‌های صلح گلستان و ترکمنچای با هدف متوقف کردن روسیه در قفقاز صورت گرفت و در عین حال در جنوب شرق و شرق نیز خود انگلستان تلاش داشت حائل و پرده‌ای میان ایران و هند بریتانیا ایجاد کند و همین سیاست بود که منجر به پشتیبانی بریتانیا از ایجاد یک حکومت محلی جدید که انگلیسی‌ها آن را افغانستان نامیدند، حمایت کرد. افغان یا اوغان‌ها اصطلاحی بود که برای نامیدن قوم پشتون استفاده می‌شد. این اقوام و طوایف توسط دولت صفوی در این حدود مستقر شدند تا حائل میان ایران و هند باشند اما از اواخر دولت صفوی خود به مدعی حکومت بدل شدند و حتی موفق شدند اصفهان پایتخت دولت صفوی را به تسخیر دریاورند اما در نهایت حکومت نیمه‌مستقلی را در کابل ایجاد کردند که با تحریک بریتانیا

از سلطه ایران خارج شده و به انگلیسی‌ها متعهد شدند. از زمان فتحعلیشاه قاجار، افغانستان به علت سرکشی مقطعی و توأم با تجاوز حاکمان هرات و قندهار و کابل، به دیگر نواحی خراسان و تمایل قاجارها برای اعاده حاکمیت ایران در این مناطق، در کانون توجه قرار گرفت. در عرصه بین‌المللی نیز، سلطه انگلستان و کمپانی هندشرقی بر هندوستان و ترس و واهمه آنان از حملات افغانان ذُرانی به آنجا و رقابت‌های استعماری با فرانسه و روسیه، سبب اهمیت‌یافتن این منطقه برای بریتانیا شد. در دوره فتحعلیشاه حاکمان کابل و قندهار و هرات عموماً به دولت ایران وفادار بودند اما شورش‌های پراکنده‌ای صورت می‌گرفت به همین دلیل پس از آنکه عباس‌میرزا از جنگ‌های ایران و روسیه در قفقاز فارغ شد به سوی خراسان حرکت کرد تا کامران میرزا درانی را در هرات وادار به اطاعت کند. عباس‌میرزا با سپاهی عازم خراسان شد. حاکم سرخس، نسا و اشک‌آباد را گوشمالی داد و به کامران میرزا حاکم هرات دستور داد به دولت ایران مالیات بپردازد. در برابر پاسخ نامساعدی که از طرف کامران میرزا رسید، هرات را محاصره کرد. هرات در محاصره عباس‌میرزا بود که فتحعلیشاه قاجار به دلایل نامعلوم عباس‌میرزا را فراخواند. ولیعهد فرزند خود محمد میرزا را برای ادامه محاصره شورشیان در هرات باقی گذاشت و خود عازم تهران شد اما در حوالی مشهد بیمار شد و در آنجا برای مداوا ماند اما اجل مهلت نداد و شاهزاده با کفایت در نزدیکی مشهد درگذشت. انگلیسی‌ها در زمان فتحعلیشاه، با سیاست اعزام سفیر و انعقاد برخی قراردادهای وی را بر ضد زمان‌شاه ذُرانی حاکم کابل تحریک کردند؛ سپس با وعده‌های واهی، مانند مساعدت مالی و نظامی برای مقابله با روس‌ها و استرداد مناطق قفقاز، مانع از اتحاد فرانسویان با ایران و نفوذ احتمالی شان در افغانستان و هندوستان شدند.

هرات مستقل

محمدشاه پس از آغاز سلطنتش تصمیم گرفت کار ناتمام پدرش را به انجام برساند و عازم هرات شد و این شهر را به محاصره درآورد. سرپیچی کامران میرزا حاکم هرات از انجام تعهداتی چون پرداخت خراج سالانه، تهاجم به خراسان و تلاش برای تصرف سیستان، از جمله عواملی بود که محمدشاه را واداشت تا با لشکرکشی به هرات، هم کامران میرزا را تنبیه کند و هم این شهر را که وی در زمان حیات پدر تا چند قدمی فتح آن پیش رفته بود، مفتوح نماید. در این زمان از یک سو دولت روسیه تلاش می‌کرد تا شاه قاجار را برای حمله به هرات تحریک و تشجیع نماید و در صورت فتح آن، نفوذ خود را در آسیای میانه و افغانستان گسترش دهد. از دیگر سو دولت انگلستان نیز برآن بود تا شاه قاجار را از لشکرکشی به هرات باز دارد و از هرات به‌عنوان سدی در مقابل حملات احتمالی ایران و روسیه به هندوستان استفاده کند. انگیزه دولت ایران از این لشکرکشی، علاوه بر تابعیت مجدد هرات، تأمین امنیت شرق ایران که به سبب تاخت‌وتازهای قبایل سنی‌مذهب آسیای مرکزی به آن منطقه به چالش کشیده می‌شد، بود. این قبایل در حملات خود صدها ایرانی را به اسیری گرفته بودند و شاه می‌توانست ضمن برقراری حاکمیت مجدد ایران بر هرات، این اسیران را آزاد کرده و امنیت خراسان را تأمین کند. به علاوه انگیزه‌های شخصی نیز برای محمدشاه وجود داشت. او که در زمان ولایت‌عهدی پدرش هرات را محاصره کرده بود اما موفق به ورود به شهر نشده بود، می‌توانست کار ناتمام خود را به اتمام برساند. همچنین شاه که در نبرد برای تاج‌وتخت از یاری نیروهای روسیه و انگلیس سود جست به بود، می‌توانست با یک فتح نظامی قدرت دولت خود را به رخ بکشد. در زمان محمدشاه، ترس از نفوذ روس‌ها در آسیای مرکزی و افغانستان، انگلیس را واداشت تا با بهره‌گیری از سیاست ایجاد چالش و تهدید، هم حاکم هرات را علیه دولت ایران بشورانند و هم با حمله به جزایر خلیج فارس، مانع از فتح هرات و دیگر نواحی افغانستان توسط ایران شوند. بریتانیا علاوه بر کمک به کامران‌میرزا، علیه ایران اعلان جنگ کرد. همراه شدن تجاوز انگلیسی‌ها به خاک ایران و اشغال جزیره خارک با خودداری روس‌ها از یاری ایران، محمدشاه را ناکام گذاشت. این گونه بود که ارتش ایران با دست‌خالی به تهران بازگشت. دولت ایران منشوری صادر کرد که نشانگر خشم عمیق محمدشاه بود. در این منشور آمده بود که تلاش دولت ایران برای آزادسازی آسرای ایرانی در بند قبایل آسیای مرکزی پایان نیافته است. از سربازان تشکر کرد که در «سرما و گرما... با شوق و غیرت تاب آوردند.» به انگلیسیان تاخت که ما «عهدنامه‌هایی با آنان داشتیم که آن را محکم‌تر از صد قلعه می‌پنداشتیم... اما نقض عهد کردند... خارک را گرفتند و تهدید به حمله به فارس و کرمان کردند... پس برگشتیم... انگلیس دولت بزرگی است و سلاح حرب نداشتیم.»

ندبیر امیرکبیر

ناصرالدین میرزا که جای پدر را گرفت شرایط قدری تغییر کرد. کهن‌دل خان و صیدمحمدخان، فرمانروایان قندهار و هرات، اعلان سرسپردگی به شاه ایران کردند. امیرکبیر صدراعظم با کفایت ناصرالدین‌شاه نیز مصمم